



The Role of the Zaynabi Family in Strengthening the Cultural and Social Resilience of Iranian Society in Confronting Narrative Warfare and Cognitive Warfare

Marjan omidi

Graduate of Level 3, Arabic Literature, Reyhaneh Al-Nabi Islamic School,
Arak
mgool3420@gmail.com

Abstract

In today's lifeworld—marked by media saturation and the proliferation of conflicting narratives—societies are confronted with a complex phenomenon known as cognitive warfare. This form of conflict targets perceptual infrastructures and systems of meaning, attempting to disrupt social cohesion from within and replace authentic identities with fabricated and distorted narratives. Under such circumstances, rediscovering indigenous and religious models of resilience becomes a strategic necessity for safeguarding cultural continuity.

Using a descriptive–analytical approach and focusing on the model of the Zaynabi family, this study examines the role of this institution in enhancing the cultural and social resilience of Iranian society. The findings indicate that the Zaynabi family, through reliance on communicative action against the “media empire,” active patience as a defensive mechanism against psychological collapse, and truth narration as an antidote to cognitive warfare, offers an innovative and effective framework for cultural resistance. By redefining educational and communicational roles, this model not only contributes to the preservation of collective memory but also transforms crisis into an opportunity for clarification, thereby fundamentally strengthening social resilience against soft threats.

Keywords: Zaynabi family, cultural resilience, social resilience, narrative warfare, cognitive warfare.



دور الأسرة الزينية في تعزيز المرونة الثقافية والاجتماعية للمجتمع الإيراني في مواجهة حرب الروايات والحرب المعرفية

مرجان اميدى

خريجة المستوى الثالث، تخصص الأدب العربي، مدرسة ربحانة النبي العلمية بأراك،

gool3420@gmail.com

الملخص

في عالمنا المعاصر، الذي يتسم بـ«التشبع الإعلامي» و«تعدد الروايات المتعارضة»، تواجه المجتمعات ظاهرة معقدة تُعرف باسم «الحرب المعرفية». هذا النمط من الصراع يستهدف البنى الإدراكية وأنظمة المعنى، ويسعى إلى تقويض التماسك الاجتماعي من الداخل واستبدال الهويات الأصلية بروايات مصطنعة ومحرّفة. في مثل هذه الظروف، يُعدّ استعادة نماذج المرونة المحلية والدينية ضرورة استراتيجية للحفاظ على البقاء الثقافي.

تعتمد هذه الدراسة منهجاً وصفيّاً -تحليلياً، مع التركيز على نموذج «الأسرة الزينية»، لبحث دور هذا الكيان في تعزيز المرونة الثقافية والاجتماعية في المجتمع الإيراني. وتُظهر النتائج أنّ الأسرة الزينية، من خلال الاعتماد على «الفعل التواصلى» في مواجهة «الإمبراطورية الإعلامية»، و«الصبر الفعال» بوصفه آلية دفاعية ضد الانهيارات النفسية، و«سرد الحقيقة» كدواء مضاد للحرب المعرفية، تقدّم إطاراً جديداً وفعالاً للمقاومة الثقافية. هذا النموذج، من خلال إعادة تعريف الأدوار التربوية والتواصلية، لا يسهم في حفظ الذاكرة الجمعية فحسب، بل يحوّل أيضاً «الأزمة» إلى «فرصة للبيان والتفسير»، وبالتالي يعزّز المرونة الاجتماعية في مواجهة التهديدات الناعمة على نحو جذرى.

الكلمات المفتاحية: الأسرة الزينية، المرونة الثقافية، المرونة الاجتماعية، حرب الروايات، الحرب المعرفية.

نقش خانواده زینبی در تقویت تاب‌آوری فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران در مواجهه با جنگ روایت‌ها و جنگ شناختی

مرجان امیدی

دانش آموخته سطح سه، ادبیات عرب، مدرسه علمیه ریحانه النبی اراک،

mgool3420@gmail.com

چکیده

در زیست جهان معاصر که با «اشباع رسانه‌ای» و «تکثر روایت‌های متعارض» شناخته می‌شود، جوامع با پدیده‌ای پیچیده تحت عنوان «جنگ شناختی» مواجه‌اند. این نوع نبرد، با هدف قرار دادن زیرساخت‌های ادراکی و نظام‌های معنایی، می‌کوشد انسجام اجتماعی را از درون مختل کرده و هویت‌های اصیل را با روایت‌های برساخته و تحریف‌شده جایگزین سازد. در چنین شرایطی، بازیابی الگوهای تاب‌آوری بومی و دینی ضرورتی راهبردی برای حفظ بقای فرهنگی است.

پژوهش حاضر، با اتخاذ رویکردی توصیفی-تحلیلی و تمرکز بر الگوی «خانواده زینبی»، به بررسی نقش این نهاد در ارتقای تاب‌آوری فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که خانواده زینبی با تکیه بر «کنش ارتباطی» در برابر «امپراتوری رسانه‌ای»، «صبر فعال» به مثابه مکانیسم دفاعی در برابر فروپاشی روانی، و «روایت‌گری حقیقت» به عنوان پادزهر جنگ شناختی، چارچوبی نوین و کارآمد برای مقاومت فرهنگی عرضه می‌کند. این الگو، با بازتعریف نقش‌های تربیتی و ارتباطی، نه تنها به حفظ حافظه جمعی کمک می‌کند، بلکه با تبدیل «بحران» به «فرصت تبیین»، تاب‌آوری اجتماعی را در برابر تهدیدات نرم به صورت بنیادین تقویت می‌نماید. **کلیدواژه‌ها:** خانواده زینبی، تاب‌آوری فرهنگی، تاب‌آوری اجتماعی، جنگ روایت‌ها، جنگ شناختی.

مقدمه

جامعه ایران در دهه‌های اخیر با چالش‌های چندلایه‌ای روبه‌رو بوده است که یکی از حساس‌ترین آن‌ها، نبرد در عرصه‌ی «معنا» و «ادراک» است. جنگ روایت‌ها، نه یک نبرد نظامی، بلکه تلاشی سازمان‌یافته برای تسخیر «قوه‌ی قضاوت» افراد جامعه است. در این پارادایم، واقعیت آن چیزی نیست که رخ می‌دهد، بلکه آن چیزی است که «روایت» می‌شود. جنگ شناختی با استفاده از ابزارهای پیشرفته‌ی رسانه‌ای و روان‌شناختی، به دنبال ایجاد شکاف میان مردم و حاکمیت، تضعیف باورهای دینی و ایجاد بحران هویت در خانواده‌هاست.

در چنین شرایطی، «تاب‌آوری» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. انسان‌هایی که از تاب‌آوری بالا برخوردارند، ظرفیت و توانایی عبور از بحران‌ها و سختی‌های پایدار زندگی را دارند و در مواقع بحرانی از انسجام شخصیت برخوردار بوده و متزلزل و ناامید نمی‌شوند. (پناهی، ۱۴۰۲، ۴۶). اگر جامعه‌ای نتواند در برابر هجمه‌های ادراکی و فشارهای روانی ناشی از جنگ روایت‌ها قد علم کند، دچار فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی و فروپاشی از درون خواهد شد. از این رو، بازگشت به الگوهای مقاومت بنیان، همچون سیره حضرت زینب علیها السلام و الگوی خانواده‌ای که ایشان در متن بحران عاشورا مدیریت کردند، می‌تواند راهگشای حل بسیاری از معضلات معاصر باشد. مروری بر مهمترین ارکان عملکردی حضرت زینب علیها السلام می‌تواند الگوی رفتاری ایشان در مواجهه با دشمنان و مشکلات را تبیین نماید. «حضرت زینب علیها السلام موارد زیر را از وظایف اصلی رسالت خویش می‌دانست. یک: سعی داشت در هر فرصتی با خطبه و سخنرانی عمال و



حکومتیان را رسوا سازد و مردم را از جنایت‌های آنان آگاه نماید. دو: به زنان و کودکان داغ‌دیده آرامش می‌داد تا مبادا با ناله و شیون دشمن شاد گردند. سه: سومین وظیفه‌ای که حضرت زینب خویش را به آن ملزم می‌دید، مراقبت از امام سجاد بود. به همین علت خود را سپر شمشیرهایی می‌کرد که قصد شهادت امام را داشتند.» (الهی منش، اشرفی، ۱۴، ۱۳۸۷)

پیشینه و مبانی نظری

در حوزه‌ی تاب‌آوری اجتماعی، پژوهش‌های متعددی بر نقش نهادهای واسطه تأکید کرده‌اند، اما آنچه در این پژوهش متمایز است، تمرکز بر «خانواده زینبی» به عنوان یک واحد تحلیل است. در مورد نقش و جایگاه حضرت زینب علیها السلام در تاریخ صدر اسلام و تأثیرات ایشان بر جامعه اسلامی خصوصاً در بعد از واقعه عاشورا هم مقالات و کتب زیادی به تحریر درآمده است. اما پژوهش مستقلی ناظر بر عنوان این پژوهش و با دغدغه الگوگیری از خانواده زینبی برای مقوله تاب‌آوری اجتماعی نگاشته نشده است.

مفاهیم بنیادین

جنگ شناختی به معنای استفاده از دانش‌های مختلف خصوصاً روان‌شناسی و علوم ارتباطات برای تأثیرگذاری بر نحوه‌ی پردازش اطلاعات در مغز انسان است. در این نوع جنگ، هدف اصلی «تغییر باورها» و «تخریب اراده» است. جنگ روایت‌ها نیز به عنوان بازوی اصلی جنگ شناختی، با ارائه‌ی تفسیرهای گزینشی و گاه وارونه از وقایع، می‌کوشد تا جای «خادم و خائن» یا



«پیروزی و شکست» را در ذهن مخاطب عوض کند.

تاب آوری توانایی غلبه و سازگاری موفقیت آمیز با چالش ها، فشارهای روان شناختی و تنش های مهم و پیوسته و بهره گیری از تفکر خلاق و منعطف در راستای حل مسائل است. (پناهی، ۱۴۰۲، ۴۶)

الگوی خانواده زینبی، تاب آوری را از یک حالت انفعالی (صرفاً تحمل کردن) به یک حالت فعال (مقاومت و تبیین) ارتقا می دهد. در این الگو، «صبر» به معنای نشستن و رنج کشیدن نیست، بلکه به معنای «پایداری در مسیر هدف» و «حفظ انسجام روانی گروه» در اوج بحران است (حسن زاده، ۱۳۹۲، ۱۶).

روش شناسی پژوهش

این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بهره گیری از تکنیک تحلیل محتوای کیفی متون و اسناد انجام شده است. واحد تحلیل در این پژوهش، «الگوهای رفتاری و ارتباطی حضرت زینب علیها السلام در دوره ی بحران (عاشورا و پس از آن) است. داده ها از طریق مطالعه ی عمیق منابع مکتوب استخراج شده و سپس با مفاهیم مدرن جنگ شناختی و تاب آوری اجتماعی تطبیق داده شده اند.

بحث و یافته ها

۱. تحلیل کنش ارتباطی حضرت زینب علیها السلام

یکی از مهم ترین ابعاد سیره حضرت زینب علیها السلام در مواجهه با بحران عاشورا و پیامدهای آن، استفاده آگاهانه از «کنش ارتباطی» برای بازسازی حقیقت در



فضای عمومی بود. اگر این کنش را از منظر نظریه «کنش ارتباطی» یورگن هابرماس تحلیل کنیم، درمی‌یابیم که رفتار ارتباطی حضرت زینب علیها السلام نمونه‌ای تاریخی از تلاش برای احیای عقلانیت ارتباطی در برابر سلطه سیاسی و تبلیغاتی است. هابرماس معتقد است که در جوامعی که قدرت سیاسی تلاش می‌کند با ابزارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی فضای عمومی را در اختیار بگیرد، تنها راه بازگرداندن حقیقت، ایجاد گفتارهایی است که مبتنی بر صداقت، استدلال و افشای تحریف‌ها باشند. (کوهساری، ۱۴۰۴، ۳۱)

در فضای پس از واقعه عاشورا، دستگاه خلافت اموی از طریق شبکه گسترده خطیبان درباری، فرمانداران محلی و رسانه‌های رسمی آن زمان، تلاش می‌کرد روایتی تحریف‌شده از حادثه کربلا ارائه دهد. در این روایت رسمی، قیام امام حسین علیه السلام به عنوان نوعی خروج بر حاکم مشروع معرفی می‌شد و بنی‌امیه تلاش داشتند تا مشروعیت سیاسی خود را تثبیت کنند. در چنین شرایطی، حضرت زینب علیها السلام با ورود فعالانه به عرصه خطابه و سخنرانی، نوعی «بازپس‌گیری فضای عمومی» را رقم زد. خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام در کوفه و شام نمونه‌ای از کنش ارتباطی مؤثر است که در آن، فرد کنشگر با اتکا به استدلال دینی، حافظه تاریخی و زبان بلاغی، روایت مسلط قدرت را به چالش می‌کشد.

خطبه حضرت زینب علیها السلام در کوفه را می‌توان نمونه‌ای از افشای نظام‌مند تحریف دانست. ایشان در این خطبه با یادآوری جایگاه خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اشاره به سابقه مردم کوفه در دعوت از امام حسین علیه السلام، تناقض‌های اخلاقی و سیاسی جامعه آن روز را آشکار ساخت. در واقع، این خطبه نه تنها یک اعتراض عاطفی، بلکه یک بازسازی عقلانی از حقیقت تاریخی بود. حضرت زینب علیها السلام در



این سخنان، به مخاطبان خود یادآوری کرد که چگونه بایی عملی و سکوت، زمینه وقوع فاجعه‌ای تاریخی را فراهم کرده‌اند.

از این منظر، کنش ارتباطی حضرت زینب علیها السلام را می‌توان یکی از نخستین نمونه‌های تاریخی «جهاد تبیین» دانست. این کنش نشان می‌دهد که در برابر جنگ روایت‌ها، مهم‌ترین ابزار مقاومت، تبیین مستمر حقیقت و جلوگیری از تثبیت روایت‌های تحریف‌شده است. چنین الگویی در جامعه معاصر نیز می‌تواند الهام‌بخش باشد، زیرا در شرایطی که رسانه‌های جهانی تلاش می‌کنند واقعیت‌ها را به شکل گزینشی بازنمایی کنند، وجود کنشگران آگاه و روایت‌گر، نقش مهمی در حفظ حقیقت ایفا می‌کند.

۲. خانواده زینبی: کانون تربیت خانواده تاب‌آور

یکی از ابعاد مهم الگوی زینبی، نحوه مدیریت بحران در درون ساختار خانواده است. واقعه عاشورا نه تنها یک حادثه سیاسی و نظامی، بلکه یک بحران انسانی و روانی عمیق برای خانواده اهل بیت علیهم السلام بود. در چنین شرایطی، بسیاری از خانواده‌ها ممکن است دچار فروپاشی عاطفی و روانی شوند؛ اما در تجربه تاریخی کربلا، خانواده اهل بیت علیهم السلام نه تنها فرونپاشید، بلکه به یک هسته مقاوم و الهام‌بخش تبدیل شد.

در تحلیل جامعه‌شناختی خانواده، معمولاً از خانواده به عنوان نهادی یاد می‌شود که وظیفه اصلی آن تأمین امنیت عاطفی، تربیت نسل و انتقال ارزش‌هاست. حضرت زینب علیها السلام که شخصیتی تربیت یافته در خاندان نبوی و علوی است، الگویی سازنده برای هر مسلمان و بانویی مؤثر در سطوح مختلف



اجتماع است. ایشان هنگام حضور در جامعه با تدریس، تبلیغ و تربیت فرزند اقدامات مؤثر و قابل توجهی بر جامعه خود داشت. همچنین هنگام حضور ساختاری در جامعه، با تقویت و تحکیم نهادهای اجتماعی همچون خانواده، بسیار تأثیرگذار و خواستار تحول و اصلاح در حکومت ناشایست جامعه شان نیز بود. (صابری، ۱۴۰۰، ۱۳).

یکی از مهم‌ترین ابزارهای حضرت زینب علیها السلام در این زمینه، «معنادهی به رنج» بود. در روان‌شناسی تاب‌آوری، یکی از مؤلفه‌های کلیدی برای عبور از بحران، توانایی افراد در تفسیر و معنا دادن به تجربه‌های دردناک است. اگر رنج بدون معنا باقی بماند، می‌تواند به احساس پوچی و ناامیدی منجر شود. اما اگر رنج در چارچوب یک هدف یا ارزش بزرگ‌تر تفسیر شود، می‌تواند به منبعی برای رشد و استقامت تبدیل گردد.

جمله مشهور حضرت زینب علیها السلام در پاسخ به ابن زیاد که فرمودند «ما رأیت الا جمیلاً»، نمونه‌ای روشن از این بازتعریف معنایی است. این جمله نشان می‌دهد که ایشان رنج‌ها و مصائب عاشورا را نه به عنوان شکست، بلکه به عنوان جلوه‌ای از زیبایی اراده الهی و پیروزی معنوی می‌نگریستند. چنین نگاهی باعث شد که دیگر اعضای خانواده نیز بتوانند با وجود داغ‌ها و مصیبت‌های سنگین، روحیه خود را حفظ کنند. جوامع و گروه‌هایی که دارای چارچوب‌های معنایی قوی هستند، در برابر بحران‌ها مقاومت بیشتری نشان می‌دهند. خانواده زینبی دقیقاً چنین چارچوبی را ارائه می‌دهد. در این الگو، ایمان دینی، پیوندهای عاطفی و احساس مسئولیت اجتماعی به یکدیگر پیوند می‌خورند و ساختاری پایدار برای مقاومت ایجاد می‌کنند.

علاوه بر این، حضرت زینب علیها السلام در دوران اسارت نیز تلاش کرد تا ساختار خانواده حفظ شود. در شرایطی که دشمن تلاش داشت با تحقیر و فشار روانی، روحیه اسرا را در هم بشکند، ایشان با حمایت عاطفی از کودکان و زنان، مانع از فروپاشی روحی آنان شد. این رفتار نشان می‌دهد که در الگوی خانواده زینبی، «مراقبت عاطفی» نقش مهمی در حفظ تاب‌آوری دارد.

از منظر تربیتی نیز خانواده زینبی نقش مهمی در انتقال ارزش‌ها ایفا کرد. کودکان و نوجوانانی که در این خانواده حضور داشتند، شاهد نمونه‌ای عینی از صبر، شجاعت و ایمان بودند. این تجربه تربیتی باعث شد که پیام عاشورا در نسل‌های بعدی نیز زنده بماند و به عنوان بخشی از حافظه تاریخی جامعه اسلامی منتقل شود.

۳. مواجهه با جنگ روایت‌ها: از سکوت تا فریاد تبیین

یکی از مهم‌ترین درس‌های واقعه عاشورا، اهمیت روایت‌گری در شکل‌گیری حافظه تاریخی است. در بسیاری از حوادث تاریخی، آنچه سرنوشت یک واقعه را تعیین می‌کند، نه فقط خود حادثه، بلکه نحوه روایت و بازنمایی آن است. اگر یک حادثه بدون روایت صحیح باقی بماند، ممکن است به مرور زمان دچار تحریف یا فراموشی شود.

پس از واقعه عاشورا، دستگاه خلافت اموی تلاش گسترده‌ای برای کنترل روایت‌ها انجام داد. این دستگاه با استفاده از ابزارهای تبلیغاتی و سیاسی، سعی داشت تصویری وارونه از حادثه کربلا ارائه دهد. در چنین شرایطی، اگر روایت خاندان امام حسین علیه السلام به جامعه منتقل نمی‌شد، ممکن بود حقیقت این واقعه در



تاریخ گم شود.

نقش حضرت زینب علیها السلام در این مرحله، بسیار تعیین کننده بود. ایشان با خطبه‌های خود در کوفه و شام، نه تنها روایت رسمی حکومت را به چالش کشید، بلکه روایت جدیدی از عاشورا ارائه داد؛ روایتی که بر مظلومیت امام حسین علیه السلام، ظلم حکومت اموی و ارزش‌های والای نهضت عاشورا تأکید داشت. این روایت‌گری باعث شد که افکار عمومی به تدریج نسبت به حقیقت ماجرا آگاه شوند.

حضرت زینب علیها السلام، نه تنها به عنوان خواهر امام حسین علیه السلام بلکه به مثابه «رسول ثانی کربلا» (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲، ۱۸۰) در تبیین پیام عاشورا در میان جامعه اسلامی کوشید و با روشنگری‌های خویش این پیام را از کربلا تا شام و مدینه منتقل نمود. در حقیقت حضرت زینب علیها السلام پیام آور کربلا برای آیندگان و نسل‌های بعدی بود. در واقع، پیام‌رسانی ایشان باعث شد که نهضت عاشورا از یک حادثه محدود در زمان و مکان مشخص به یک حرکت تاریخی و تمدنی تبدیل شود.

از منظر نظریه‌های ارتباطات، این فرایند را می‌توان «بازتولید معنا» در سطح اجتماعی دانست. حضرت زینب علیها السلام با روایت‌گری خود، معنای عاشورا را از یک شکست نظامی به یک پیروزی اخلاقی و تاریخی تبدیل کرد. این تغییر معنا نقش مهمی در شکل‌گیری فرهنگ مقاومت در جهان اسلام داشت.

این تجربه تاریخی در عصر حاضر نیز اهمیت زیادی دارد. در شرایطی که رسانه‌های مدرن با سرعت بسیار بالا روایت‌های مختلفی از رویدادها ارائه می‌دهند، اگر یک جامعه نتواند روایت خود را تولید و منتشر کند، ممکن است در

جنگ روایت‌ها شکست بخورد. از این رو، الگوی زینبی نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین ابزارهای مقاومت فرهنگی، «تبیین آگاهانه و مستمر حقیقت» است.

۴. ابعاد جامعه‌شناختی تاب‌آوری در الگوی خانواده زینبی

از منظر جامعه‌شناسی، تاب‌آوری اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که یک جامعه بتواند در برابر فشارهای بیرونی و بحران‌های داخلی، انسجام خود را حفظ کرده و مسیر هویتی خود را ادامه دهد. یکی از عوامل مهم در ایجاد چنین تاب‌آوری، وجود «سرمایه نمادین» و «حافظه تاریخی مشترک» است. در فرهنگ شیعی، حضرت زینب علیها السلام یکی از مهم‌ترین این نمادهاست. حضرت زینب علیها السلام به عنوان عضوی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، از سرمایه نمادین بسیار بالایی برخوردار بود و با بهره‌مندی از این سرمایه در برابر قدرت سیاسی بنی‌امیه برای به چالش کشیدن مشروعیت حکومت یزید استفاده کرد.

الگوی رفتاری حضرت زینب علیها السلام در طول تاریخ الهام‌بخش بسیاری از حرکت‌های اجتماعی و فرهنگی بوده است. این الگو نشان می‌دهد که تاب‌آوری اجتماعی تنها نتیجه قدرت نظامی یا اقتصادی نیست، بلکه به شدت به عوامل فرهنگی و معنوی وابسته است. جامعه‌ای که دارای هویت فرهنگی قوی و روایت‌های الهام‌بخش باشد، می‌تواند حتی در شرایط سخت نیز مسیر خود را ادامه دهد. در نتیجه، خانواده زینبی را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تولید تاب‌آوری فرهنگی در جامعه اسلامی دانست. این خانواده با ترکیب ایمان، آگاهی، روایت‌گری و انسجام عاطفی، الگویی ارائه می‌دهد که می‌تواند در مواجهه با چالش‌های معاصر نیز الهام‌بخش باشد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با بررسی ابعاد مختلف الگوی خانواده زینبی، به این نتیجه رسید که تاب‌آوری فرهنگی و اجتماعی، فراتر از یک تحمل ساده، یک «کنشگری آگاهانه» است. خانواده زینبی از سه طریق به تقویت این تاب‌آوری کمک می‌کند: اول: با ارائه‌ی یک «روایت منسجم و الهام‌بخش» که معنای زندگی و رنج را در سخت‌ترین شرایط تبیین می‌کند. دوم: با ایجاد «شبکه‌ی حمایتی قوی» مبتنی بر مودت و صبرقرآنی که مانع از فروپاشی روانی در برابر جنگ شناختی می‌شود. سوم: با تبدیل شدن به یک «رسانه‌ی بومی» که قادر است در برابر امپراتوری‌های بزرگ رسانه‌ای، حقیقت را بازتولید و منتشر کند.

جامعه ایران برای عبور از گردنه‌های سخت جنگ روایت‌ها، نیازمند «زینبی شدن» نهاد خانواده است. این به معنای آن است که خانواده‌ها باید از مصرف‌کننده‌ی صرف پیام‌های رسانه‌ای به «تولیدکنندگان روایت‌های اصیل» تبدیل شوند. تقویت سواد رسانه‌ای، عمق‌بخشی به دانش دینی و حفظ انسجام عاطفی در خانواده، گام‌های عملی در این مسیر هستند.

منابع و مآخذ

کتاب

۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). حماسه حسینی، ج ۲. تهران: انتشارات صدرا.

مقالات

۲. الهی منش، محمدحسن، و اشرفی، مرتضی (۱۳۸۷). حضرت زینب علیها السلام الگوی زن مسلمان. بانوان شیعه، ۵ (۱۸)، ۷-۱۸.
۳. پناهی، محمدرضا (۱۴۰۲). اهمیت تاب‌آوری در بحران‌های اجتماعی با تاکید بر راهکارهای تقویت تاب‌آوری. پژوهش‌های روانشناسی/اسلامی، ۶ (۲)، ۴۵-۶۳.
۴. حسن‌زاده، صالح (۱۳۹۲). عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی. پژوهشنامه معارف قرآنی (آفاق دین)، ۴ (۱۵)، ۴۵-۶۸.
۵. صابری، معصومه (۱۳۹۶). اقدامات حضرت زینب علیها السلام در تحکیم نهادهای اجتماعی. مطالعات دین‌پژوهی، ۱ (۱)، ۱۳-۳۳.
۶. کوهساری، زهرا (۱۴۰۴). معاصر سازی شخصیت حضرت زینب علیها السلام: الگویی تمدنی برای زن مسلمان در رویارویی با بحران‌های هویتی و رسانه‌ای جهان معاصر. پژوهش‌نامه معارف حسینی، ۱۰ (۴۰)، ۲۹-۴۴.